



انگیزه تشریح جهاد در اسلام

۴ - ان الله يحب الذين يقاتلون في سبيله

صفاً كانوا بنیان مرصوص

خداوند کسانی را که در راه او در صف واحدی ،

همچون بنیانی محکم و بهم پیوسته ، جهاد میکنند ، دوست

می دارد .

* * *

انگیزه تشریح جهاد در اسلام ، در صورتی روشن میشود که از نزدیک واقفیت این مکتب جهانی را لمس کرده ، و به نقش آن در اصلاح اجتماع و هدفهای عالی آن ، واقف گردیم .

دو اصل است که میتوان آنرا اساس دعوت اسلام شمرد و اسلام به هیچ قیمت حاضر نیست

این دو اصل را از دست بدهد :

۱ - آزاد ساختن بشر از پرستش هر نوع معبود ، جز خدا ، و در حقیقت این مطلب

اساس تمام ادیان آسمانی نیز میباشد ، و هر پیامبری که میآید اساس دعوت او را جمله : « مالک من اله غیره » ، (۱) : (برای شما معبودی جز او نیست) . تشکیل میداد . اسلام به همه جهانیان

اعلام کرده که معبودی در صفحه هستی جز خدا نیست ، و خدای آسمان و زمین یکی میباشد چنانکه میفرماید : « وهوالذی فی السماء اله وفی الارض اله » (۲) : معبود آسمان و زمین او است .

۲ - روی زمین باید نقطه حکومت الهی باشد ، و جز اراده و قوانین و شرایط او ، نباید

(۱) الاعراف - ۵۹

(۲) الاعراف - ۸۴

چیز دیگری بر افکار و قلوب و اجتماع حکومت کند . و هر نوع حکومت و تشریح و قانونگذاری که از قوانین آسمانی الهام نگیرد ، ملنی و بی اثر خواهد بود . و اسلام در صورتی تمام کتب و شرایع پیامبران گذشته را به رسمیت می‌شناسد ، که پیروان آنها ، عملاً از آنها الهام بگیرند ، و احکام آنها را بازیچه افکار و تمایلات و منافع مادی خود قرار ندهند . و انحراف از این اصل را يك نوع پرستش غیر حق دانسته و به عموم اهل کتاب به زبان پیامبر اسلام چنین اعلام کرده است :

« ولا يتخذ بعضنا بعضا اربابا من دون الله (۱) : برخی برخ دیگر را معبود اتخاذ نکنیم ، بطور مسلم نصاری و یهود ، رهبران مذهبی خود را نمی‌پرستیدند ولی چون آنها قوانین آسمانی را طبق تمایلات خود تحریف می‌کردند و جمعی از آنان پیروی مینمودند از این نظر عمل آنها را يك نوع پرستش غیر خدا خوانده است .

عدی بن حاتم در حالی که صلیب در گردن داشت بحضور پیامبر رسید ، و حضرت آیه (اتخذوا احبارهم و رهبانهم اربابا من دون الله (۲) یعنی علمای خود و تارکان دنیا را معبودهای خود اتخاذ کرده اند) را میخواند وی به لحن اعتراض به آن حضرت گفت ، ما هرگز کیشان و تارکان دنیا را پرستش نمیکنیم ، حضرت در پاسخ او فرمود : آنان حلال خدا را حرام ، و حرام او را حلال شمرده اند و شما هائیز بدون چون و چرا از آنان پیروی میکنید ، از این نظر آنان را با عمل خود می‌پرستید .

این دواصل از اصول اساسی اسلام میباشد ، و این آئین ، سعادت بشر را در گرو آن میدانند و به هیچ قیمت از این دواصل عدول نمیکنند و تاکنون کسی منافع این دواصل ، و زیانهای خلاف آنرا منکر نشده است .

شایسته است قطعه تاریخی زیر را که میتواند روشنگر اهمیت و حساسیت این دواصل اساسی باشد ، در اینجانب نقل بنمائیم : هنگامی که مرزهای حکومت ایران ، وسیله نیروهای اسلام به محاصره درآمد رستم فرخ زاد فرمانده سپاه ایران ، از سعد و قاص فرمانده نیروهای مسلمانان ، نماینده ای طلبید که از هدف و انگیزه جهاد اسلامی که در نظر او تهاجمی بیش نبود ، سؤالاتی بنماید ، نماینده مسلمانان ، انگیزه جهاد اسلامی را برای او چنین تشریح کرد :

ما آمده ایم بندگان خدا را از پرستش معبودهای باطل باز داشته ، و به عبادت و

(۱) آل عمران - ۶۴

(۲) التوبه - ۳۴

بندگی خدای یگانه ؛ و رسالت پیامبر او «محمد» دعوت نمایم ، (۱) ما آمده ایم ، بندگان خدا را از بندگی مخلوق نجات داده و به بندگی خدا سوق دهیم . (۲)

ما آمده ایم شما را با دعوت به اعتقاد به روز بازپسین و رستخیز ؛ از فشار و محدودیت

دنیا برهانیم ؛ و عدل و دادگری را جایگزین جور و ستم آئینهای باطل بسازیم (۳)

با اینکه در ظرف سه روز ، سه نماینده مختلف با رستم گفتگو کردند - مع الوصف سخن همه آنها یکی بود ، و نیز در آخر کلام خود می افزودند که اگر این دواصل را به پذیرید ، ما از همین نقطه بازگشته ، و کشور شما را به خودتان واگذار می کنیم .

ضامن اجرای این دواصل حیاتی چیست ؟ !

بطور مسلم این دواصل حیاتی در نقاط مختلف جهان ، مخالفان بی شماری دارد که به عنوان مختلف حاضر به پذیرفتن این دواصل نمیباشند ، از یک طرف ، حکومتهای باطل ، و سازمانهای مادی با اشاعه این دواصل مبارزه نموده و با گسترش این آئین صد در صد مخالفت خواهند ورزید از طرف دیگر علاقه مردم به رسوم نیاکان و روش گذشتگان خود ، سد دیگری در برابر اشاعه طرز فکر اسلامی میباشد در نتیجه این دو مانع بزرگ ، تأثیر قلم و بیان را متوقف ساخته ، و ندای مبلغان و گویندگان و مبشرین اسلامی را در گلوها خفه خواهند ساخت .

اکنون تکلیف اسلام در برابر این دو مانع بزرگ چیست ؟ اگر اسلام یک مکتب فلسفی یک روش کلامی ، یک دکترین سیاسی ، یک برنامه حزبی برای گروهی یا نژادی و ... بود ، هرگز لازم نبود که بفکر شکستن این موانع ، و درهم کوبیدن سازمانهای مادی و بشری که سد راه تبلیغ و روشن شدن مردم میباشد ، بیفتد ، بلکه کافی بود که تمام افکار و خلاصه دعوت خود را در صفحاتی نوشته ، به محافل علمی رد کنند ، خواه کسی آنرا به پذیرد یا نپذیرد .

ولی اگر اسلام برخلاف پندار خاورشناسان یک نظام نوین الهی و آسمانی باشد که در پرتو این دواصل می خواهد نظام صحیح و آسمانی خود را جایگزین نظامات فاسد بشری سازد در این صورت صحیح نیست دست روی دست بگذارد ، و در انتظار بخت و شانس و تمایلات باطنی مخالفان بنشیند .

نقطه اشتباه معترضان اینجاست که آنان تصور کرده اند که نظرات اسلام ، به سان نظریه های

۱ - ۲ - جمله اول اشاره به اصل نخست ، و جمله دوم اشاره به اصل دوم است و متن عربی قسمت اخیر آن چنین است : **واخراج العباد الى عبادة الله ومن ضيق الدنيا الى سعتها ، ومن جور الاديان الى عدل الاسلام .**

(۳) : الكامل ج ۲ ص ۳۱۹

سقراط و ارسطو ، و با فرضیه‌های دانشمندان است که صاحب نظریه باید افکار محافل علمی را به نظرات خود متوجه سازد ، دیگر لازم و یا صحیح نیست ، دست به سلاح بزند ، و سازمانهای مقاوم و مخالف خود را تحت فشار در آورد ولی آنان در این اندیشه سخت در اشتباهند ، اوفر ستاده خدا است و از ناحیه او مأموریت دارد که جامعه بشر را از فساد و بت پرستی نجات بخشد ، و روی زمین را نقطه حکومت و سلطه الهی قرار دهد ، که احدی جز از ناحیه او بر مردم حکومت نکند ، در این صورت چاره ندارد که برای پیشرفت مقاصد خود ، برای اینکه مبلغان آئین او ، در محیط آزاد ، به تبلیغ آئین اسلام اشتغال ورزند ، و افکار مردم و اذهان آنان را روشن سازند ، سازمانهای مادی ، و نظامات فاسد بشری را که مانع از تبلیغ و گسترش این آئین ، میباشد ، با نیروی نظامی عظیم ، درهم شکنند ، و راه را برای تبلیغ صحیح و مطمئن باز کنند .

بنابراین ، جنگ و نبرد که زیر لوای جهاد در راه خدا صورت میگیرد ، برای این نیست که مردم را ملزم سازند که به آئین اسلام ایمان بیاورند ، و به زور و جبر به آن معتقد شوند ، زیرا ایمان و اعتقاد از امور قلبی و روانی است ، و امور روانی بدون پیدایش مبادی عقیده ، بدون تمایلات باطنی انسان ، با زور و فشار جامه وجود بخود نمی پوشاند .

بلکه انگیزه جهاد ، شکستن قدرتهای مزاحم و مخالف آزادی و تحصیل محیط آزاد برای تبلیغ ، میباشد .

اینجا است که ما از گفتار ایراد کننده سند اخذ کرده میگوئیم درست است که حقیقت دست و پا دارد ، و خود بخود راه میرود ، اما بایک شرط و آن بودن محیط آزاد که مردم در انتخاب هر نوع آئین و عقیده ، آزاد و بلا مانع باشند ، در چنین صورت این حقیقت آسمانی بر اثر روشنی و استحکام دلائل خود ، به دلها راه یافته ، و خود به خود ، اشاعه و گسترش پیدا میکند .

گفتار دستجمعی مبلغان اسلام

تاریخ بزرگترین آزمایشگاه زندگی است ، مراجعه کوتاه به صفحات تاریخ ، این حقیقت را به ثبوت میرساند ، که تا سپاه تبلیغ ، و راهنمایان هر آئینی از یک قدرت نظامی نیرومند که حافظ جان و مال آنان در اجتماع میباشد ، برخوردار نباشند ، نه تنها کاری از پیش نمبرند ، بلکه جان خود را بدون اخذ نتیجه در راه نشر آن آئین از دست میدهند پیامبر در تاریخ دهساله اقامت خود در مدینه ، این حقیقت تلخ را دوبار چشید ، در سال چهارم هجرت که نیروی نظامی اسلام بر تمام اطراف شبه جزیره تسلط نداشت ، قسمتی از شبه جزیره عربستان در دست مشرکان

و دشمنان قرارداد داشت ، چهل تن از مبلغان اسلام در منطقه «بئرمونه» به دست مشرکان کشته شدند (۱) بار دیگر شش تن از معلمان قرآن که برای تبلیغ اسلام به اطراف اعزام شده بودند، به صورت دلخراشی اعدام گردیدند .

از این دو حادثه تاریخی و دهها نظیر آن ، میتوان نتیجه گرفت که: تاوانع و مزاحمها از سر راه تبلیغ اسلام برداشته نشوند هیچ گونه تبلیغی به نتیجه نمیرسد .

ولی اگر محیط بوسیله یک قدرت نظامی آزاد گردد در این صورت کسانی که تحت تأثیر تبلیغات اسلام قرار میگیرند ، میتوانند بدون واژه و ترس به آئین اسلام بگردند ، چنانکه گروهی که مایل به گرایش به این آئین نباشند میتوانند تحت شرایطی که در کتاب جهاد بیان شده است به یکی از شرائع آسمانی گرویده و متدین به آن دین شوند اینجاست که مفاد آیه لاکراه فی الدین در یک محیط آزاد کاملاً جامه عمل پوشیده و روشن میشود که اسلام برای گرایش به اسلام هرگز اعمال قدرت نکرده و اکراه نورزیده است .

(۱) سیره ابن هشام ج ۲ ص ۱۸۴ - ۱۶۹ .

(بقیه از ص ۵)

است این است که کوشش شود هیچگونه مزاجمنی برای همسایگان و افراد دیگر فراهم نگردد و آنها نیز با آغوش باز و اخلاص تمام از تشکیل این مجالس استقبال نمایند .

مثلاً در ساعات دیر وقت شب نباید از بلند گوهائی که صدای آن در خارج مجلس منعکس میگردد استفاده نمود ، و باید اجازه داد کودکان و بیماران و افرادی که مایل با ستراحتند کاملاً استراحت کنند .

و از همه مهمتر اینکه باید خلوص نیت و اخلاص العمل لله را که اساسی ترین شرط موفقیت در هر عملی است حفظ کرد و از روح پاک امام حسین (ع) و یاران فداکارش استمداد جست و نگذاشت کوچکترین آلودگی در نیت برای بنیانگزاران ، خدمتگزاران ، شرکت کنندگان و گویندگان پیش آید .

موفقیت همه برادران و خواهران مسلمان دادر بزرگداشت و بهره برداری کامل از این جلسات از درگاه خداوند بزرگ مسئله داریم .